



## رساله‌ای در باب مدارا:<sup>۱</sup> ممیزی دینی و اخلاقی کتاب در حقوق ایران

دوفصلنامه علمی مطالعات نظری هنر

سال چهارم | شماره ۷ | پاییز و زمستان ۱۴۰۳

شاپا: ۰۰۳۴-۲۸۲۱- | ص: ۳۱۵-۳۳۷

وحید آگاه<sup>۲</sup>

زهره برادران مفید آستانه<sup>۳</sup>

### چکیده

علی‌رغم حمایت از آزادی بیان در قانون اساسی ایران، کتاب وفق ماده ۴ «مصوبه اصلاحی اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب» مصوب ۱۳۸۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی، در حقوق موضوعه با ممیزی مواجه است و مواردی ذیل عنوان «دین و اخلاق» به عنوان حدود بیان در قالب کتاب ذکر شده است. در این پژوهش، صرف نظر از عدم صلاحیت شورا در ایجاد محدودیت برای آزادی بیان، جهات ممیزی دینی و اخلاقی در مصوبه با قوانین انطباق داده شده است. نتیجه نشان‌دهنده آن است که مقرر شورا، در موارد «انکار یا تحریف مبانی اسلام»، «مخدوش کردن چهره شخصیت‌هایی که از نظر دین اسلام محترم شمرده می‌شوند»، «توهین، تخریب یا افترا به افرادی که حفظ حرمت آنها شرعاً و یا قانوناً لازم است»، «توهین به مقدسات»، «ترویج و تبلیغ ادیان، مذاهب و فرقه‌های منحرف و منسوخ، تحریف شده و بدعتگذار»، «بیان جزئیات مراودات جنسی، کلمات رکبیک و مستهجن، به نحوی که موجب اشاعه فحشا شود» و «انتشار تصاویر به نحوی که موجب اشاعه فحشا شود»، مطابق با قوانین است. اما جهات ممیزی با عنوان

۱. برگرفته از نام کتابی از ولتر (رساله‌ای در باب مدارا و بردباری)، ترجمه احسان دستغیب، انتشارات مهراندیش.

۲. عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول): dragah@atu.ac.ir.

۳. کارشناس ارشد حقوق ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی: s.mofidastaneh@gmail.com.

«تبلیغ و ترویج الحاد و اباحه‌گری»، «انکار یا تحریف احکام اسلام»، «تحریف وقایع تاریخی دینی که مآلاً به انکار مبانی دین منجر شود»، «تبلیغ علیه تعالیم اصول و مبانی اسلام»، «ترویج خرافات و مخدوش کردن چهره اسلام»، «بیان جزئیات گناهان»، «استفاده از جاذبه جنسی با عنوان آثار هنری یا هر عنوان دیگر»، «نشان دادن چهره شخصیت‌های منفی»، «ترویج مادی‌گرایی فلسفی و اخلاقی و سبک‌های زندگی مخالف ارزش‌های اسلامی و اخلاقی» و «خشن جلوه دادن چهره اسلام و مسلمانان واقعی» با قوانین مغایرت داشته و شایسته اصلاح‌اند.

واژگان کلیدی: آزادی بیان، کتاب، سانسور، ممیزی دینی، ممیزی اخلاقی.

## ❁ مقدمه

حق بر آزادی بیان، یکی از حقوق بشر با موضوع حمایت از «بیان» و منع سانسور<sup>۱</sup> و مداخله پیشینی، ممیزی و مجوزهای پیشینی دولت است که با توجه به قلمروی گسترده بیان، شامل هر رفتار حاوی پیام می‌شود (انصاری و امامی الطریقی، ۱۴۰۰، ص ۲۳) و در اصول ۲۴ و ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - زین پس، ق.ا. - تضمین شده که شامل کتاب و آثار ادبی و هنری نیز می‌شود و «مبانی اسلام» و «حقوق عمومی»، تنها محدودیت‌های آن هستند.

با این حال، در حقوق موضوعه علی‌رغم تأکید و تصریح ق.ا. بر آزادی بیان و منع سانسور و پذیرش نظام تعقیبی، با تصویب «مصوبه اصلاحی اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب» مورخ ۱۳۸۹/۱/۲۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی، رویه‌ای در پیش گرفته شده که به «نظام صدور مجوز» معروف است.

در کتاب‌های لغت، هیچ نشانه‌ای مبنی بر اینکه سانسور، غیرقانونی و ممیزی، قانونی است، وجود ندارد. علاوه بر این، واژه سانسور در اصل ۲۵ ق.ا.، ماده ۴ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲ و ماده ۲۹ منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵/۹/۲۹ به کار رفته و در هیچ یک از آنها، معنایی متفاوت، قابل استنباط نیست.

---

1. Censorship.

دین و اخلاق از ممیزی‌های همیشگی تاریخ بشر هستند. «دین، مجموعه حقایقی هماهنگ و متناسب از نظامهای فکری (عقاید و معارف)، نظام ارزشی (احکام) و نظام پرورشی (دستورات اخلاقی و اجتماعی) است که در قلمرو ابعاد فردی، اجتماعی و تاریخی از جانب پروردگار متعال برای سرپرستی و هدایت انسان‌ها در مسیر رشد و کمال الهی ارسال میگردد» (بهداروند، ۱۳۸۳، صص ۷۷-۱۰۱). اخلاق اجتماعی و عمومی به معنای شیوه‌های رفتاری مرسوم در جامعه دانسته شده (صدری و دیگران، ۱۳۷۷، ص ۶۷). اخلاق و اصول اخلاقی بر آداب و رسوم، قواعد و موازین و ویژگی‌های مختص گروه‌های اجتماعی دلالت دارند (آهنگری، ۱۳۸۶، ص ۱۳). در تعریفی حقوقی‌تر، اخلاق «مجموعه قواعدی است که در طول ادوار زندگی یک جامعه، به سائقه فطرت و اندیشه‌های گوناگون آن جامعه به وجود آمده و افراد آن را محترم شمرده و بیش‌وکم به معرض اجرا در می‌آورند و تخلف از آنها، وجدان اکثریت جامعه را متألم و ناراحت کند. مبنای آن، ترویج خوبی‌ها و کاهش بدی‌هاست و ممکن است قوانین موضوعه، اصول آنها را مورد احترام قرار دهد، بدون این که وارد جزئیات آنها شود» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷، ذیل اخلاق). لازم به ذکر است در تعریف عام اخلاق که به معنای شیوه‌های رفتاری یک فرد، گروه یا جامعه است، ماده ۱۸ «قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت» مصوب ۱۳۶۰/۷/۵ به بیان مصادیقی از اعمال خلاف اخلاق عمومی پرداخته است.<sup>۱</sup>

«حدود قانونی» در ماده ۴ «مصوبه اصلاحی اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب»، به سه دسته «دین و اخلاق»، «سیاست و اجتماع» و «حقوق و فرهنگ عمومی» تقسیم شده و این پژوهش به «ممیزی دینی و اخلاقی» پرداخته. ضمناً قسمت‌هایی ذیل عنوان ممیزی‌های «سیاست و اجتماع» آمده که در مقوله ممیزی سیاسی نبوده و باتوجه به ارتباط با دین و اخلاق، در این پژوهش، مورد بررسی قرار گرفته. «در ممیزی اخلاقی،

۱. اعمال خلاف اخلاق عمومی عبارت است از: ۱- اعمال منافی عفت عمومی. ۲- تجاهر به فسق و فجور. ۳- استعمال مشروبات الکلی و مواد مخدر. ۴- اعمال و رفتار خلاف حیثیت و شرافت و شئون شغلی. ۵- عدم رعایت حجاب اسلامی. ۶- نشر و توزیع نوارهای مبتذل و یا عکس‌های مستهجن و صور قبیحه.



معیارها و هنجارهای اخلاقی در ابعاد جهانی، ملی یا بومی و محلی، مدنظر است که موارد گسترده‌ای همچون پیروزی خیر بر شر، عدم تشویق یا تحریک به جرایم و تخلفات، مشروبات الکلی، دخانیات، مواد مخدر و مسائل جنسی را دربرمی‌گیرد. در ممیزی دینی یا مذهبی هم، عدم توهین و تمسخر گزاره‌ها و شعائر ادیان و مذاهب، به ویژه دین یا مذهب رسمی یا اکثریت افراد جامعه، معیار است» (آگاه، ۱۳۹۶، ص ۱۸).

ممیزی دینی و اخلاقی در این مقاله، با عبور از مبانی نظری و صرفاً از منظر انطباق با قوانین تحلیل و بررسی شده و سؤال پژوهش، میزان سازگاری خط‌قرمزهای ممیزی دینی و اخلاقی کتاب- مذکور در مصوبه شورا- با قوانین است. چه اینکه در هرم هنجارهای حقوقی ایران، مقررات ذیل قانون بوده و مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی نمی‌تواند مغایر با قوانین باشد. بدین جهت، در این مقاله طی هفت بند، جهات ممیزی دینی و اخلاقی کتاب، بررسی و نسبت آن با خطوط قرمز موجود در قوانین، تحلیل می‌شود.

#### ❁ ۱- سایه‌روشن<sup>۱</sup>

بند یک جزء الف ماده ۴ مصوبه، حدود قانونی این حوزه را چنین اعلام کرده: «تبلیغ و ترویج الحاد و اباحه‌گری، انکار یا تحریف مبانی و احکام اسلام و مخدوش کردن چهره شخصیت‌هایی که از نظر دین اسلام محترم شمرده می‌شوند و تحریف وقایع تاریخی دینی که مآلاً به انکار مبانی دین منجر شود». طی این بند، در چهار قسمت، ممیزی‌های مذکور بررسی می‌شود:

#### ۱-۱- تبلیغ و ترویج الحاد و اباحه‌گری

از آنجاکه منظور، تبلیغ و ترویج از طریق نشر کتاب است، می‌توان گفت نشر مطالب الحادی یکی از موارد منحل به مبانی اسلام به شمار می‌رود. در هیچ یک از قوانین، تعریفی از مطالب الحادی و مصادیق آن نیامده و به‌عنوان جرم مستقل، جرم‌انگاری نشده است.

۱. نام کتابی از صادق هدایت، چاپ اول، ۱۳۱۲.

تنها بند یک ماده ۶ قانون مطبوعات آن را از حدود نشریات اعلام کرده و منظور از آن، نشر مطالبی است که حقیقت دین و ضروریات آن را زیر سوال می برد. باید توجه داشت که نظر به هدف و سیاست کلی در مواد ۱ و ۲ و عبارت «افزایش آگاهی های دینی» که در بند ۲ ماده ۳ مصوبه مذکور آمده، باید بین «بیان تفکرات الحادی» و «تبلیغ آن» تفکیک قائل شده و بیان آن را مشمول استثنائات تبصره بند ۳ جزء الف ماده ۴ دانست که اشعار می دارد: «معرفی ادیان و مذاهب و بیان احکام یا تحقیق درباره آنها با رویکرد علمی و غیرتبلیغی مستثنی است». زیرا هر بیانی تبلیغ نیست (صورت مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۶۴، ص ۶۵۲) و می تواند مفید فایده هم باشد. از اصل ۱۴ ق.ا. و مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی ق.ا. (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸، صص ۶۴۵-۶۴۶) نیز می توان استنباط کرد صرف بیان مطالب الحادی و غیراسلامی، مادامی که جنبه ترویج و تبلیغ علیه مبانی اسلام و حقوق عمومی نداشته باشد، ممنوع نیست.

## ۱-۲- انکار یا تحریف مبانی و احکام اسلام

«مبانی اسلام» در اصل ۲۴ ق.ا. به کار رفته و از محدودیت های آزادی بیان اعلام شده است. واژه «مبانی» جمع مبنا و به معنای شالوده است. می توان چنین استنباط کرد که مبنا امری است که بدون آن، پایه های هر چیزی فرو می ریزد. مبانی اسلام، اموری دینی هستند که وجود اسلام به آنها وابسته و بر آنها استوار است. واژگان «موازین اسلام»، «موازین شرع»، «موازین اسلامی»، «احکام اسلام»، «مبانی اسلام» و «قوانین اسلام»، مفاهیم مشابهی هستند که در اصول ۴، ۶۱، ۹۱، ۹۴، ۹۶، ۱۱۲، ۱۷۵ و ۱۷۷ ق.ا. آمده است.

در مورد گستره مبانی اسلام، اختلاف نظر وجود دارد. در یک نظر، آن را اصولی می دانند که ناظر به اصول بنیادین دین است و انکار یا سخن گفتن علیه آن، انکار دین تلقی می شود (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۷۹). با توجه به این تعریف، آنچه در اصل ۲ ق.ا. به عنوان پایه های نظام عنوان شده، در این دسته جای می گیرد. در نظری دیگر، مبانی اسلام، اعتقادات و احکام اسلامی است که منظور از آن، احکام فردی و اجتماعی اسلامی



- علاوه بر اصول و فروع دین - است که ایجاد اخلال در آنها موجب تزلزل در اسلام می‌شود. مجازات‌های اسلامی مانند حدود، قصاص، دیات و موضوعاتی چون حجاب، ارث و شهادت از این دسته هستند (هاشمی، ۱۳۸۴، صص ۳۶۸-۳۶۷). نویسندگان مقاله با نظر اول که مبانی اسلام را ناظر بر اصول بنیادین دین یعنی توحید، نبوت و معاد می‌داند، موافق هستند. چراکه مقنن اساسی، از واژگان مختلف در ق.ا. استفاده کرده و اگر نظر بر احکام اسلام داشت، از همین واژه استفاده می‌کرد. چنانکه واژه احکام اسلامی در اصول ۹۱ و ۹۶ بیان شده؛ بنابراین همان‌طور که در اصل ۲۴ ق.ا. آمده، «مبانی اسلام» در مصوبه شورا با ق.ا. منطبق است. اما «احکام اسلام» مغایر با ق.ا. و مازاد بر آن است و نیک می‌دانیم که قانون عادی و به طریق اولی، مقررات، یارای مغایرت با ق.ا. را ندارند.

همچنین بخشی از بند ۲ جزء الف، «تبلیغ علیه تعالیم اصول و مبانی آن (اسلام)» را از حدود دانسته. در حالی که جرم تبلیغ علیه اسلام وجود ندارد و تعالیم آن، آموزه‌هایی برای رسیدن به سعادت و فضیلت هستند و تنها در صورتی که این تبلیغ، توهین به مقدسات تلقی شود، طبق ماده ۵۱۳ ق.م.ا. قابل مجازات است. امری که وفق آموزه‌های حقوق جزا، صعب می‌نماید.

### ۳-۱- مخدوش کردن، توهین، تخریب یا افترا

به دلیل شباهت افراد مدنظر در این قسمت از بند یعنی «مخدوش کردن چهره شخصیت‌هایی که از نظر دین اسلام، محترم شمرده می‌شوند» و بند یک جزء ب این ماده: «توهین به... تمام افرادی که حفظ حرمت آنها شرعاً و یا قانوناً لازم است» که به اشتباه در دسته «سیاست و اجتماع» قرار گرفته، این دو عبارت در کنار هم، بررسی می‌شود. «مخدوش کردن» به معنای خراشیده شده، خراش برداشته و تصرف شده (جملات و عبارات یک نوشته) است (معین، ۱۳۸۶، ص ۱۶۶۲) که مختص افراد حقیقی نیست و منظور از آن در بند یک جزء الف ماده ۴، توهین، نشر اکاذیب و افتراست که در ادامه بررسی می‌شود:

### ۱-۳-۱- توهین

موهن بودن رفتار، وجود مخاطب معین و حضوری یا علنی بودن توهین، ازجمله شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق این جرم باتوجه به ماده ۶۰۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی- تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ - زین پس، ق.م.ا.- مصوب ۷۵ است. معیاری شناور که به شرایط گوناگونی چون موقعیت شخصی، شغلی و مکانی بستگی دارد و این سیالیت، در قانون «استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزایی مواد (۵۱۳)، (۵۱۴)، (۶۰۸)، (۶۰۹) ق.م.ا. و بندهای (۷) و (۸) ماده (۶) و مواد (۲۶) و (۲۷) قانون مطبوعات» مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴ نیز آمده (دریائی و دیگران، ۱۴۰۱، صص ۲۰۸-۲۰۷).

### ۱-۳-۲- تخریب

«تخریب» در مورد اموال کاربرد دارد و در عالم حقوق در مورد افراد، به کار نمی‌رود. به نظر می‌رسد منظور از تخریب در این بند، نشر اکاذیب باشد که انتساب دروغ به دیگران، از طریق نشر آن با عنصر قانونی ماده ۶۹۸ ق.م.ا. مصوب ۷۵ است. جرمی که باتوجه به واژگان «مراسلات» و «اوراق چاپی» در ماده، در مورد کتاب نیز قابل استفاده می‌باشد. نشر اکاذیب در صورتی که به طور گسترده رخ دهد و «موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد»، باتوجه به ماده ۲۸۶ ق.م.ا. افساد فی الارض محسوب شده و مجازات اعدام دارد. در مورد انواع دیگر کتاب (صوتی و الکترونیکی)، ماده ۱۸ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ که ماده ۷۴۶ ق.م.ا. مصوب ۷۵ شده، حکم فرماست. بند ۲ ماده ۲ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰ نیز، نشر اکاذیب را با رعایت شرایط مقرر در ماده یک قانون، جرم سیاسی دانسته. بند ۱۱ ماده ۶ قانون مطبوعات، بیانگر ممنوعیت «پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران» به عنوان یکی از حدود قانونی مطبوعات است که با مفهوم



تخریب مرتبط است. لذا این قسمت از بند مصوبه شورا به رغم استفاده از واژه‌ای نادرست، در مفهوم با موارد جرم انگاری شده قوانین، انطباق دارد و کتاب نمی‌تواند معافیتی برای ارتکاب این جرایم باشد.

### ۳-۳-۱- افترا

افترا وفق ماده ۶۹۷ ق.م.ا. مصوب ۷۵ عبارت است از: «هرکس به وسیله اوراق چاپی یا خطی... یا به هر وسیله دیگر، به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون، آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید». افترا به دو دسته لفظی و عملی تقسیم می‌شود و ماده ۶۹۷ مربوط به افترای لفظی است. نظر مشورتی شماره ۷/۹/۱۲۱۹ مورخ ۱۳۹۹/۹/۵، افترای موضوع این ماده و افترای خاص (قذف) موضوع ماده ۲۴۵ ق.م.ا. را مختص افراد حقیقی دانسته. بند ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات، آن را از حدود مطبوعات اعلام کرده و ماده ۳۰ این قانون، بیانگر ممنوعیت انتشار آن است.

باتوجه به قانون «استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزایی مواد (۵۱۳)، (۵۱۴)، (۶۰۸)، (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و بندهای (۷) و (۸) ماده (۶) و مواد (۲۶) و (۲۷) قانون مطبوعات»، «از نظر مقررات کیفری، اهانت و توهین... عبارت است از به کار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تخفیف و تحقیر آنان شود». علیرغم جرم‌انگاری توهین، نشر اکاذیب و افترا در حقوق ایران، ادبیات این قسمت از بندهای مصوبه، مناسب نیست و باید منطبق با ادبیات قوانین شود. گفتنی است حرمت شرعی و قانونی همه آحاد ملت و حتی غیر ملت ایران، واجب است. لذا طبق اصول ۱۹ و ۲۰ ق.ا. و ماده ۷ منشور حقوق شهروندی، عبارت «تمام افرادی که حفظ حرمت آنها شرعاً و قانوناً لازم است»، از باب توضیح و تأکید و بیانگر حرمت همه افراد است.

#### ۱-۴- تحریف وقایع مهم و مسلم تاریخی ایران و اسلام

بند یک جزء الف و بند ۱۱ جزء ب ماده ۴ مصوبه، به ترتیب هر دو با عباراتی مشابه، به موضوع تحریف اشاره دارند: «تحریف وقایع تاریخی دینی که مآلاً به انکار مبانی دین منجر شود» و «تحریف وقایع مهم و مسلم تاریخی ایران و اسلام»؛ بنابراین به جهت شباهت موضوع، شایسته است که هر دو در دسته «دین و اخلاق» جای گیرند و در این قسمت، با هم بررسی می‌شوند.

تحریف را در دسته‌بندی اولیه می‌توان به دو دسته عملی و علمی تقسیم کرد. تحریف علمی، می‌تواند لفظی و معنوی باشد. مطابق ماده ۲ «آیین‌نامه نحوه رسیدگی به تخلفات و اتهامات تحریف‌کنندگان اسناد، تاریخ و وقایع دفاع مقدس» مصوب ۱۳۹۹/۱۱/۶ هیئت امنای بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس: «تحریف به معنای برگردانیدن سخن و چیزی از وضع و حالت خود است. به‌طورکلی تحریف در چهار قسم تحریف معنوی، موضوعی، به فزونی و کاستی دسته‌بندی می‌شود. تحریف معنوی، گفتاری به غیر وجه و با هدف تفسیر به رأی نمودن و غالب نمودن دیدگاه شخصی بر واقعیت است. در تحریف موضوعی، مراد، نظم و ترتیب واقعیتی را برهم‌زدن است. تحریف به فزونی، مطلبی را به واقعیت اضافه نمودن و تحریف به کاستی، مطلبی را از واقعیت کم نمودن است.» اساس‌نامه پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس مصوب ۱۳۸۹/۲/۱۵ ستاد کل نیروهای مسلح نیز، در بند ۴ ماده ۲، «جلوگیری از نابودی و تحریف تاریخ و میراث گران‌بهای دوران دفاع مقدس» را از وظایف دانسته و بند ۳ جزء ج ماده ۱۱ آیین‌نامه نظارت بر تولید و نشر آثار ادبی و تاریخی دفاع مقدس، «عدم بیان خرافات، حوادث جعلی و تحریفات به‌عنوان واقعیات دفاع مقدس و مقاومت» را از حدود قانونی نشر این آثار دانسته. در این خصوص، فارغ از نشر اکاذیب، تحریف تاریخ در قوانین جرم‌نبوده و نباید هم باشد. چه اینکه در حوادث تاریخی، روایات متعدد بوده و نمی‌توان به بهانه تحریف تاریخ، مجازات نمود. در مقررات یادشده هم، سوای اینکه این مقررات، مغایر با قوانین بوده و با مقررات نمی‌توان محدودیت ایجاد نمود، مصوبات مذکور، صرفاً در باب دفاع مقدس بوده و سایر موارد را شامل نمی‌شود.



## ❁ ۲- آخرین وسوسه مسیح: توهین به مقدسات

توهین تقریباً در تمامی ادیان و مذاهب عملی ناشایست است که ابعاد حقوقی آن باتوجه به این که چگونه، در چه شرایط و به چه شخص، گروه یا عقیده‌ای انجام شود، متفاوت خواهد بود (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۸۲۱). مقدمه و مواد ۱، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند (۳) ماده ۱۸ و مواد ۱۹، ۲۰ و ۲۷ قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۳۵۴/۲/۱۷، ماده ۵ قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۵۴/۲/۱۷، مواد ۱۴-۱۲ قانون اجازه الحاق دولت ایران به کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۱، ماده ۲۱ قانون تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۱۳۸۷/۹/۱۳، محدودیت‌های عدم توهین و بی‌حرمتی به شخص، گروه و دین خاصی را پذیرفته‌اند. همچنین مقدمه قانون تصویب منشور ملل متحد مصوب ۱۳۲۳/۷/۲۰ و بند ۳ ماده ۱، بند ۲ ماده ۱۳، بند ۳ ماده ۵۵ و بند ۳ ماده ۷۶ آن به تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تأکید دارند که ممنوعیت هرگونه توهین به دین، مذهب و مقدسات، لازمه آن است.

«مقدسات» جمع «مقدس» است که در قوانین تعریف نشده و فقط برخی از مصادیق آن ذکر گردیده (پوربافرانی و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۱۳۸). مکان‌های مخصوص عبادت خداوند، متون دینی و پیامبران، مصادیقی از قداست در ادیان توحیدی و مقدسات در اسلام هستند (قدسی و دیگران، ۱۳۸۸، صص ۱۷۹-۱۷۱) که به اعتبار موضوع آن یعنی افراد، نهادها، نمادها، اماکن یا اشیای مقدس و مورداحترام، در دسته توهین‌های مشدد قرار می‌گیرد.

در تحولات تقنینی، این موضوع برای اولین بار در ماده ۵۱۳ ق.م.ا. مصوب ۷۵، سپس به طور ویژه در مواد ۲۶۲ و ۲۶۳ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ موردتوجه قرار گرفت. هرچند ماده ۵۱۳، عبارت «مقدسات اسلام» را به صورت مطلق به کار برده، ولی چنین

۱. نام کتابی از نیکوس کازانتزاکیس، ترجمه صالح حسینی، انتشارات نیلوفر، چاپ اول، ۱۳۶۰.

عبارتی با عنوان فصل دوم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی که ماده ۵۱۳ ذیل آن آمده، همخوانی ندارد. علاوه بر این، سزاوار است مقنن از کلی‌گویی و ابهام بپرهیزد، زیرا ابهام مفهومی در عنوان مقدسات اسلام، موجب تفاسیر ضدونقیض می‌شود و با شأن قانون‌گذاری در تضاد است. دقت در برخی مبانی و اصول بنیادین در جوامع انسانی و مفهوم منفعت عمومی، بیانگر آن است که حمایت قانونی از مقدسات سایر مذاهب (مکاتب) اسلامی در قبال اهانت و توهین امری ضروری و بدیهی است، زیرا علاوه بر این که خلاف اخلاق و وجدان بشر و عملی قبیح و ناپسند به شمار می‌رود، می‌تواند زمینه‌ساز اخلال در امنیت و آسایش یا اعتماد ملی و داخلی شود (احمدزاده و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۳۶). علاوه بر این، در اصول ۱۲، ۱۳ و ۱۴ ق.ا. حقوق سایر ادیان و مذاهب مورد احترام دانسته شده و بر اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی و رعایت حقوق انسانی تأکید شده است؛ لذا تمرکز بیشتر قانون‌گذار بر مقدسات مذهب رسمی در قانون مجازات اسلامی، با مفاد ق.ا. سازگار نیست. هر چند ورود نظام سیاسی در ساحت اجتماع و فرهنگ و تأثیرپذیری محسوس‌تر از ایدئولوژی سیاسی مورد قبول نظام مستقر و مداخله کیفری در این حوزه، قابل درک است. اما اهمیت منافع ملی در جرم‌انگاری این حوزه، نیازمند توجه بیشتر قانون‌گذار است، زیرا عدم توجه به این امر، ضمن آنکه موجب فروکاست حمایت کیفری به دین یا عقیده غالب می‌شود، تحدید آزادی بیان و نقدگریزی و افزایش خطوط قرمز را به دنبال خواهد داشت که از چالش‌های جرم‌انگاری اهانت به مقدسات دینی به شمار می‌رود (آقابابایی و دیگران، ۱۳۷۸، صص ۶۶-۷۱). بندهای الف و ب ماده ۳ آیین‌نامه نحوه نظارت بر علائم، نشانه‌ها و تصاویر روی البسه و لوازم‌التحریر و کالاهای مشابه مصوب ۱۳۷۹/۱۱/۱۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی و بند ۵ ماده ۲ مصوبه سیاست‌ها و اقدامات اساسی حمایت از ترویج نام‌ها و نشانه‌های اسلامی - ایرانی مصوب ۱۴۰۰/۶/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی، بیانگر ممیزی‌های مرتبط این مهم است.



### ❁ ۳- راهنمای رزم‌آور نور: ترویج و تبلیغ ادیان و مذاهب و فرق

در دامنه تعاریف حداقلی و حداکثری، «دین» از «ایمان به غیب» آغاز شده و با «تسلیم محض خدا شدن» به کمال می‌رسد و همه ادیان بهره‌ای از حقیقت دارند (سلیمانی، ۱۳۹۶، ص ۳۹۵). درحالی‌که مذهب، شاخه‌ای از دین و فرقه، پاسداشت تجانس یعنی همگونی افراد بر اساس برخی وجوه تشابه مانند شباهت‌های بوم‌شناختی (جنسیت، قومیت، ملیت، دین و مانند آنها) به شکل افراطی است (هادوی نژاد و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۷۳). این جنبش‌ها و ادیان نوظهور برای گسترش و پذیرش خود، به تبلیغات نیاز دارند که رسانه‌های گروهی و وسایل ارتباط جمعی، یکی از راه‌های آن بوده و کتاب نیز از این قاعده مستثنی نیست. قانون‌گذار، این موضوع را در ماده ۵۰۰ مکرر ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ جرم‌انگاری نموده است. نظریه‌های مشورتی ۷/۷۳۲۷ مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۲۸ اداره کل حقوقی قوه قضائیه - زین‌پس نظریه مشورتی - و ۷/۲۲۱۱ مورخ ۱۳۸۹/۴/۹ نیز، ممنوعیت هرگونه فعالیت ترویجی و تبلیغی یا انجام مراسم مذهبی برای فرقه‌های باطله‌ای که جزء ادیان رسمی شناخته شده در ق.ا نیستند را بیان کرده است؛ لذا این بند موافق با حقوق موضوعه است.

### ❁ ۴- بوف کور: ترویج خرافات

«خرافات» به معنای سخنان بیهوده، حدیث باطل، افسانه و... است (معین، ۱۳۸۶،

۱. نام کتابی از پائولو کوئیلو، ترجمه آرش حجازی، انتشارات کاروان، چاپ چهارم، ۱۳۸۶.
۲. هرکس در قالب فرقه، گروه، جمعیت یا مانند آن استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القائات روانی در فضای واقعی یا مجازی مرتکب اقدامات زیرگردد، چنانچه رفتار وی مشمول حد نباشد، به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از این دو مجازات و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج محکوم می‌گردد....
- ۱- هر اقدامی که موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری شود، به نحوی که فرد مورد بهره‌کشی و سوء استفاده جنسی، جسمی یا مالی واقع شود و یا در اثر آسیب‌رسانی به قدرت تصمیم‌گیری فرد و تشویق وی به ارتکاب جرایمی از قبیل اعمال منافی عفت، مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و یا مواد روان‌گردان، خودآزاری یا دیگرزنی، فرد مرتکب این اقدامات گردد.
- ۲- هرگونه فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل به شرع مقدس اسلام از طرقی مانند طرح ادعاهای واهی و کذب در حوزه‌های دینی و مذهبی از قبیل ادعای الوهیت، نبوت یا امامت و یا ارتباط با پیامبران یا ائمه اطهار (علیهم‌السلام).
۳. نام کتابی از صادق هدایت، ۱۳۱۵.

ص ۶۱۹). تعریف واحدی برای خرافه وجود ندارد. خرافه را آن دسته از باورها و اعتقادات می‌دانند که از نظر عقلانیت عصری و مفروضات دوره‌ای، شعور عرفی، علم، عقل و تفسیر موجود از دین، امری بیهوده، مردود و نکته‌ای انحرافی محسوب می‌شود (اخوی، ۱۳۸۸، صص ۸۷-۷۶). در حقوق ایران، تعریفی برای خرافه نیامده و ترویج آن جرم‌انگاری نشده و بند مزبور، شایسته حذف است.

#### ❁ ۵- دو قرن سکوت؛ مخدوش کردن و خشن جلوه دادن چهره اسلام و مسلمانان

##### واقعی

بخش‌هایی از بند ۴ و ۹ جزء الف به اسلام اختصاص دارند: «مخدوش کردن چهره اسلام» و «خشن جلوه دادن چهره اسلام». به همین دلیل، طی این بند، در کنار هم بررسی می‌شوند. همانطور که در توضیحات مربوط به بند یک آمده، مخدوش کردن در قالب سه جرم توهین، افترا و نشر اکاذیب قابل بررسی است. باتوجه به آن که جرم افترا از جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص است و رفتار مجرمانه جرم نشر اکاذیب نیز، «انتساب دروغ به شخص دیگر از طریق نشر آن» است، در مورد دین اسلام قابل تحقق نبوده و شایسته حذف است. لذا عبارت «مخدوش کردن چهره اسلام» در بند ۴ جزء الف باید حذف شود. «خشن جلوه دادن چهره اسلام و مسلمانان واقعی» نیز که در بند ۹ جزء الف آمده، عبارتی کلی و تفسیربردار است. زیرا اولاً، معیاری برای تشخیص مسلمانان واقعی وجود ندارد. ثانیاً، در هیچ بخشی از قانون، معیار و مصداقی برای «خشن جلوه دادن» و «مسلمانان واقعی» وجود ندارد و این بند از جزء الف مصوبه نیز باید حذف شود.

#### ❁ ۶- شب هول؛<sup>۲</sup> اشاعه فساد و فحشا

بندهای ۵، ۶ و ۷ جزء الف مصوبه، به ترتیب با عباراتی چون «بیان جزئیات مراودات

۱. نام کتابی از عبدالحسین زرین کوب، انتشارات مهرگان، چاپ اول، ۱۳۳۰.

۲. نام کتابی از هرمز شهدادی، نشر زمان، چاپ اول، ۱۳۵۷.



جنسی، گناهان، کلمات رکبیک و مستهجن، به نحوی که موجب اشاعه فحشا شود»، «استفاده از جاذبه جنسی و تصاویر برهنه زنان یا مردان با عنوان آثار هنری یا هر عنوان دیگر» و «انتشار تصاویر به نحوی که موجب اشاعه فحشا شود؛ نظیر رقص، مشروب‌خواری و مجالس فسق و فجور»، موارد مرتبط با اشاعه فساد و فحشا هستند که در قالب این بند بررسی می‌شوند.

فحشا، اقدام به کسب درآمد از راه برقراری رابطه جنسی و هرزه‌نگاری نیز به معنای «توصیف فعالیت روسپی‌ها» و از لحاظ عرف عمومی، به معنای مطالبی است که از لحاظ جنسی، آشکار بوده و بیشتر به قصد تحریک جنسی ارائه می‌شوند (جوهری و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۷۴). بندهای چ و د ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ به ترتیب به تعریف واژگان «فحشا» و «مستهجن» پرداخته. همچنین، تبصره ۵ ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶ و تبصره ۴ ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای به تعریف مستهجن پرداخته‌اند. مواد ۶۳۹ و ۶۴۰ ق.م.ا.م. مصوب ۷۵، مواد مرتبط با فحشا هستند و به موجب ماده ۶۴۰، انتشار مطالب خلاف عفت و اخلاق عمومی، جرم دانسته شده است. باید توجه داشت که قانون‌گذار به موجب تبصره‌های بندهای ۶ و ۷ جزء الف ماده ۴ و تبصره یک ماده ۶۴۰، استثنائات «برای مقاصد علمی یا هر مصلحت حلال عقلانی دیگر، تهیه یا خرید و فروش و مورد استفاده متعارف علمی»، «چاپ تصاویر مجالس فسق و فجور عناصر حکومت پهلوی یا ضدانقلاب برای استناد تاریخی با رعایت عفت عمومی» و «استفاده از تصاویر و طرح‌های علمی در کتاب‌های تخصصی و علمی» را بر این محدودیت وارد کرده است. غیر از زنا، لواط، تفخیز، مساحقه و رابطه نامشروع که از مصادیق انحراف جنسی قلمداد می‌شوند (بهرامی، ۱۳۹۸، ص ۲۰۸) و تعاریف مشخصی در مواد ۲۲۱، ۲۳۳، ۲۳۵ و ۲۳۸ ق.م.ا.م. دارند، فحشا در چارچوب مواد یادشده قانون تفسیر می‌شود. علی‌رغم آن که واژه فحشا بیشتر یادآور جنبه‌های غیراخلاقی و غیرهنجاری است، اما برهنگی منحصر به جنبه جسمانی نیست و در نوشته‌ها، مطالب و

بایدها و نبایدهای انسانی نیز می‌توان نشانه‌هایی از آن یافت (رمضانی و دیگران، پیشین، ص ۲۲۳). ترویج اعمال غیرقانونی و غیراخلاقی دیگری مانند قماربازی و دایر کردن قمارخانه، قاچاق کالا و انسان و تجارت و مشروبات الکلی نیز، از موارد ممیزی اخلاقی هستند که به موجب قانون در مواد ۲۶۴ و ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و مواد ۷۱۰-۷۰۵ ق.م.ا مصوب ۷۵، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ و قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳/۳/۲۸ جرم‌انگاری شده‌اند. بند ب ماده ۳ قانون تصویب کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک و توصیه‌نامه مکمل آن مصوب ۱۳۸۰/۸/۸، بند پ جزء ۲ ماده ۳ و بند ۵ ماده ۹ قانون الحاق دولت ایران به پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشاء و هرزه‌نگاری کودکان مصوب ۱۳۸۶/۵/۹، بندهای ۶ تا ۸ ماده ۱۰ و ماده ۱۹ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ و ماده ۵۳ آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۴۰۰/۳/۳۰ و بند ۱۰ اصول و مبانی و روش‌های اجرایی گسترش فرهنگ عفاف مصوب ۱۳۷۶/۱۱/۱۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی بیانگر موارد مرتبط هستند؛ بنابراین اشاعه فساد و فحشا منطبق با مفاد قانون است. اما در مورد «رقص» اگر با لباس مناسب و نشان‌دهنده بخشی از هویت و فرهنگ اقوام باشد، صدق نمی‌کند و رقص‌های محلی جزئی از فرهنگ و هنر است و در مراسم مذهبی و اعیاد کاربرد دارد؛ لذا تفسیر این واژه در بند ۷ نیازمند تأمل و تدقیق است.

عبارت «گناهان» در بند ۵ و «چهره شخصیت‌های منفی» در تبصره آن و «استفاده از جاذبه جنسی» در بند ۶، عباراتی کلی هستند که تاب تفسیر دارند، زیرا اگر گناه را به معنای لغوی آن یعنی جرم بدانیم، در مورد کتاب، جز در موارد فوق‌الذکر نمی‌تواند مطرح باشد. در مورد شخصیت‌های منفی نیز، نمی‌توان به معیارهای ثابت و اتفاق نظر رسید. جاذبه جنسی هم باتوجه به عواملی چون سن، جنسیت، فرهنگ و خانواده، تعریفی متفاوت، اما طیفی وسیع دارد که می‌تواند معیارهای گوناگونی را شامل شود. نتیجه آنکه، این عبارات باید حذف شود. همچنین در مورد تبصره بند ۷، انقلاب باتوجه به معنی و



مفهوم این واژه، پدیده‌ای تاریخی و مهم بوده که اثر آن، تغییر رژیم سیاسی در سال ۱۳۵۷ و برقراری جمهوری اسلامی در کشور و موضوعی متفاوت از مفهوم نظام جمهوری اسلامی است. بدین جهت، عبارت «عناصر ضدانقلاب» در تبصره بند ۷، قابل حذف است.

## ۷- بار هستی: ترویج مادی‌گرایی فلسفی و اخلاقی و سبک‌های زندگی مخالف ارزش‌های اسلامی و اخلاقی

مادی‌گرایی (ماتریالیسم)<sup>۲</sup> بر این اعتقاد است که همه چیز در جهان از ماده ساخته شده و خدا و روح و هرچه به ماوراء طبیعت مربوط است، پنداری بیش نیست. در یک تقسیم‌بندی، ماتریالیسم به دو دسته «ماتریالیسم فکری» و «ماتریالیسم اخلاقی» تقسیم می‌شود. نوع اول تنها برای ماده اصالت قائل است و نوع دوم، تنها برای مادیات و لذت‌های مادی و شخصی ارزش قائل است (اسفندیاری، ۱۳۸۳، صص ۱۰-۱۳). مادی‌گرایی فلسفی و اخلاقی تنها در صورتی که به انکار الوهیت و یا اشاعه فساد و فحشا بینجامد، در قالب مواد ۵۱۳، ۶۳۹ و ۹۴۰ ق.م.ا مصوب ۷۵ قابل پیگیری و مجازات است.

«سبک زندگی» از مفاهیم نسبتاً جدید در حوزه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و مطالعات فرهنگی است که پیوند نزدیکی با مجموعه‌ای از مفاهیم مانند فرهنگ، جامعه، ذهن و... دارد. «سبک زندگی با رویکرد اسلامی» با مفاهیمی چون علم اخلاق و مفاهیم ارزشی که هویت فردی و جمعی را می‌سازند، ارتباط دارد (فعالی، ۱۳۹۷، صص ۱۵۲-۱۳۳). «ارزش‌های اخلاقی» که گوهر و لب حقیقت مذهب هستند، در دین اسلام، دروازه‌ای برای فهم معنویت بیشتر بشر هستند تا انسان از طریق آنها روح مجرد خود را بشناسد و به خداشناسی برسد (کاردوست فیینی، ۱۳۹۳، صص ۹۵-۱۲۹). علیرغم آنکه ارزش‌های اسلامی و اخلاقی در ق.ا پاس داشته شده‌اند، در حقوق موضوعه «سبک‌های زندگی مخالف ارزش‌های اسلامی و اخلاقی» جرم‌انگاری نشده و این بند نیز، شایسته حذف است.

۱. نام کتابی از میلان کوندرا، ترجمه پرویز همایون پور، نشر قطره، چاپ اول، ۱۳۸۲.

2. Materialism

### نتیجه‌گیری ❁

آزادی بیان یکی از حق‌های بشر است که طی اصول ۲۴ و ۲۵ ق.ا. نظام اعلامی و پسینی (نظارت) برای آن، پذیرفته شده و از آن جهت که مقید است، «مبانی اسلام» و «حقوق عمومی»، محدودیت‌های آن هستند. اما درخصوص کتاب، حقوق موضوعه، با مصوبه «اصلاحی اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب» مصوب ۱۳۸۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی، مسیری دیگر در پیش گرفته و در ماده ۴ حدود قانونی را بیان کرده که ۹ بند از جزء الف و دو بند از جزء ب این ماده به ممیزی دینی و اخلاقی پرداخته که در این مقاله در انطباق با قوانین تحلیل شد.

بررسی موارد ممیزی دینی و اخلاقی در ماده ۴ مصوبه نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، محدودیت‌های یادشده با قوانین مغایرت داشته و جلوتر از حقوق کیفری است! حال آنکه جرم‌انگاری صرفاً توسط مجلس شورای اسلامی و تنها در قالب قانون ممکن بوده و با هیچ مقرراتی، ولو که مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد، نمی‌توان بر فهرست جرایم حقوق ایران یا محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های بیان آزاد افزود. توضیح اینکه خط قرمزهای آزادی بیان در ق.ا. ذکر شده و این مهم در قوانین مختلفی چون قانون مطبوعات، قانون جرایم رایانه‌ای، قانون مجازات اسلامی تشریح شده و جهات ناقض آزادی بیان که مازاد بر قوانین باشند، محکوم به ابطال و عدم اجرا هستند.

راه حل، حذف خط قرمزهای اضافه بر قوانین از مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی و ارجاع آن به قوانین مصوب مجلس است. ضمن آنکه دین اسلام، همواره منادی آزادی و توسعه حقوق و آزادی‌های شهروندی بوده و اتفاقاً در میان انواع ممیزی، ممیزی دینی و اخلاقی باید از همه جهات دیگر، لاغرتر باشد. چه اینکه دینی به تکامل و ارتفاع اسلام، نیازی به توسعه خطوط قرمز بیان آزاد ندارد و ادبیات دینی، پاسخ همه شبهات را می‌دهد. از یاد نبریم که بازگشت ممیزی دینی و اخلاقی کتاب به ممیزی‌های مذکور در قانون، گام اول بوده و قوانین محدودکننده آزادی بیان نیز، در مطابقت با ق.ا.، دارای اضافات و چالش‌هایی هستند که تبیین و پیشنهاد اصلاح آنها، مجال دیگری می‌طلبد.

## منابع ❁

### کتاب‌ها

۱. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی. راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات قانون مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات مجلس، ۱۳۶۸.
۲. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی. صورت مشروح مذاکرات قانون مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد اول). تهران: انتشارات مجلس، ۱۳۶۴.
۳. انصاری، باقر و امامی الطریقی، سیده مهلا. آزادی بیان و جرایم تحریک در حقوق بین‌الملل. چاپ اول (۱۴۰۰). شرکت سهامی انتشار.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. دانشنامه حقوقی. (۱۳۷۵). چاپ چهارم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۵. صدری، افشار و حکمتی، نسرین و حکمتی، نسترن (۱۳۷۷). فرهنگ فارسی امروز. چاپ اول. تهران: نشر کلمه.
۶. کاتوزیان، امیرناصر. گامی به سوی عدالت: مجموعه مقالات. چاپ اول (۱۳۸۰). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. معین، محمد. فرهنگ فارسی معین (جلد اول). چاپ چهارم (۱۳۸۶). تهران: انتشارات ادنا.
۸. هاشمی، سید محمد. حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. چاپ اول (۱۳۸۴). تهران: نشر میزان.

## مقاله‌ها

۱. آقابابایی، حسین و شاه ملک‌پور، حسن و توکلی، فاطمه (۱۳۹۴). «مبانی دینی و اصول جرم‌انگاری توهین به مقدسات و چالش‌های فرارو». دو فصلنامه پژوهش‌نامه حقوق کیفری. سال ششم. شماره ۲. پیاپی ۱۲. صص ۷۴-۴۹.
۲. آگاه، وحید (۱۳۹۶). «تیغ و ابریشم: تحلیل مبانی نظری ممیزی آثار سینمایی». فصلنامه پژوهش‌های حقوقی. دوره ۱۹. شماره ۴۱. صص ۲۰۰-۱۷۳.
۳. آهنگری، فرشته (۱۳۸۶). «پیشینه و بنیادهای اخلاق در ایران و جهان». فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری. سال دوم. شماره‌های ۳ و ۴. صص ۲۲-۱۱.
۴. احمدزاده، ابوالفضل و کوشا، جعفر (۱۳۹۴). «توهین به مقدسات دینی به مثابه جرمی علیه امنیت ملی». فصلنامه آفاق امنیت. سال هشتم. شماره ۲۷. صص ۱۵۴-۱۲۳.
۵. اخوی، رضا (۱۳۸۸). «باورهای خرافی». فصلنامه شمیم معرفت. پیاپی ۲۵. صص ۸۷-۷۶.
۶. اسفندیاری، محمد (۱۳۸۰). «ماتریالیسم فکری و ماتریالیسم اخلاقی». نامه میبد. شماره ۱. صص ۱۳-۱۰.
۷. بهداروند، محمد مهدی (۱۳۸۳). «تبیین و تحلیل مفهوم دین». دو ماهنامه رواق اندیشه. شماره ۳۰. صص ۱۰۱-۷۷.
۸. بهرامی، طاهره (۱۳۹۸). «تحلیل جزایی جرائم مربوط به فساد و فحشا». فصلنامه پژوهش‌های حقوقی قانون‌یار. دوره دوم. شماره ۵. صص ۲۲۶-۱۹۳.
۹. پوربافرانی، محمود و رستمی نجف‌آبادی، حامد و محمدی، میثم. «توهین به مقدسات از نظر فقه مذاهب اسلامی و منشور بین‌المللی حقوق بشر». دوفصلنامه علمی فقه مقارن. سال دهم. شماره ۱۹. پیاپی ۱۹. صص ۱۵۵-۱۳۳.
۱۰. جواهری، غلامرضا و اسماعیلی، مهدی و حاجی‌تبار فیروزجائی، حسن (۱۳۹۹). «هزه‌نگاری سایبری: از مبانی نظری تا الگوهای واکنش کیفری». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری. دوره ۸. شماره ۳۰. صص ۲۰۰-۱۷۳.
۱۱. خلیلی، اعظم و ستایش‌پور، محمد (۱۳۹۹). «توهین به مقدسات از منظر حقوق بشر». فصلنامه بین‌المللی قانون‌یار. دوره ۴. شماره ۱۶. صص ۸۴۲-۸۲۱.
۱۲. دریائی، رضا و غلاملو، جمشید (۱۴۰۱). «توهین، افترا و نشر اکاذیب تعزیری؛ از جرم‌انگاری تا جرم‌زدایی با تأکید بر الگوی حقوق مدنی». دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری. دوره ۱۹. شماره ۲۳. شماره پیاپی ۲۳. صص ۲۴۰-۲۰۳.



رساله‌ای در باب مدارا: ممیزی دینی و اخلاقی کتاب در حقوق ایران

۱۳. رضائی، احمد و قنبری، حسین و فلاحی، احمد و احمدزاده، ابوالفضل (۱۴۰۱). «نگاهی به ابعاد اجتماعی و ناهنجاری های ناشی از فحشا در نظام کیفری ایران». فصلنامه پژوهش های اخلاقی. شماره ۳. پیاپی ۴۷. صص ۲۳۸-۲۱۹.
۱۴. سلیمانی، عبدالرحیم (۱۳۹۶). «تعریف دین در کلام و فلسفه دین و تعریف اقلی و اکثری». فلسفه دین. دوره ۱۴. شماره ۲. صص ۳۹۷-۳۷۵.
۱۵. فعالی، محمدتقی (۱۳۹۷). «نسبت سنجی سبک زندگی اسلامی با دانش اخلاق و مفاهیم ارزشی». فصلنامه پژوهش نامه اخلاق. سال یازدهم. شماره ۴۲. صص ۱۵۲-۱۳۳.
۱۶. قدسی، سید ابراهیم و کوهیان افضل دهکردی، امین (۱۳۸۸). «مقدسات و توهین به آن در حقوق کیفری ایران». فصلنامه علمی فقه و اصول اسلامی. دوره ۴۱. شماره ۲. شماره پیاپی ۸۳. صص ۲۰۶-۱۶۵.
۱۷. کاردوست فینی، خدیجه (۱۳۹۳). «بررسی سازگاری ارزش های اخلاقی با دین با تأکید بر اسلام». فصلنامه اخلاق. سال چهارم. شماره ۱۳. صص ۱۲۹-۹۵.
۱۸. هادوی نژاد، مصطفی و الکوژی، عادل (۱۴۰۱). «پدیدارنگاری پیامدهای فرقه‌گرایی در سازمان های بخش عمومی». فصلنامه مدیریت سازمان های دولتی. سال دهم. شماره ۴. پیاپی ۴۰. صص ۸۴-۷۱.

### قوانین و مقررات

۱. آیین نامه اجرایی ماده (۶) قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۴۰۰/۳/۳۰ هیأت وزیران با اصلاحات و الحاقات بعدی.
۲. آیین نامه اجرایی ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۴۰۰/۳/۳۰.
۳. آیین نامه نحوه رسیدگی به تخلفات و اتهامات تحریف کنندگان اسناد، تاریخ و وقایع دفاع مقدس» مصوب ۱۳۹۹/۱۱/۶ هیئت امنای بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
۴. آیین نامه نحوه نظارت بر علائم، نشانه‌ها و تصاویر روی البسه و لوازم التحریر و کالاهای مشابه مصوب ۱۳۷۹/۱۱/۱۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۵. اساس نامه پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس مصوب ۱۳۸۹/۲/۱۵ ستاد کل نیروهای مسلح.
۶. اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸.

۷. قانون «استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزایی مواد (۵۱۳)، (۵۱۴)، (۶۰۸)، (۶۰۹) ق.م.ا. و بندهای (۷) و (۸) ماده (۶) و مواد (۲۶) و (۲۷) قانون مطبوعات» مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴.
۸. قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۱.
۹. قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۵۴/۲/۱۷.
۱۰. قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۳۵۴/۲/۱۷.
۱۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸/۱/۱۰.
۱۲. قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشاء و هرزه‌نگاری کودکان مصوب ۱۳۸۶/۵/۹.
۱۳. قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۶۰/۷/۵.
۱۴. قانون تصویب کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک و توصیه‌نامه مکمل آن مصوب ۱۳۸۰/۸/۸.
۱۵. قانون تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۱۳۸۷/۹/۱۳.
۱۶. قانون تصویب منشور ملل متحد که در سانفرانسیسکو به امضا رسیده است مصوب ۱۳۲۳/۷/۲۰.
۱۷. قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۴/۳.
۱۸. قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰.
۱۹. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳.
۲۰. قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳/۳/۲۸.
۲۱. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز. مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳.
۲۲. قانون مجازات اسلامی - تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲.
۲۳. قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲.
۲۴. قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶.
۲۵. مصوبه اصلاحی اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب، مصوب ۱۳۹۸/۱/۲۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی.



۲۶. مصوبه سیاست‌ها و اقدامات اساسی حمایت از ترویج نام‌ها و نشانه‌های اسلامی - ایرانی مصوب ۱۴۰۰/۶/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۲۷. منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵/۹/۲۹ مصوب رئیس جمهور.
۲۸. نظریه مشورتی ۲۲۱۱/۷ مورخ ۱۳۸۹/۴/۹ اداره کل حقوقی قوه قضائیه.
۲۹. نظریه مشورتی ۷۳۲۷/۷ مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۲۸ اداره کل حقوقی قوه قضائیه.
۳۰. نظریه مشورتی شماره ۷/۹/۱۲۱۹ مورخ ۱۳۹۹/۹/۵ اداره کل حقوقی قوه قضائیه.